



پارټی سوسیالدموکراتی کوردستان



## Parti socialdemokrati Kurdistan (PSDK)

متنی که در زیر ملاحظه میفرمائید ترجمه‌ی کردی مصاحبه با هیئرش علی‌زاده یکی از اعضای پروژه تاسیس حزب سوسیالدموکرات کردستان (شرق کردستان) با سایت "بو روژه‌لات" در تاریخ 2008/6/12 در رابطه با چگونگی اعلام موجودیت حزب سوسیالدموکرات کردستان و سیاستهای این حزب میباشد.

### 1. چرا و چگونه حزب تاسیس شد و چه ضرورتی داشت ؟

هرچند در ادبیات سیاسی میتوان کلمه "تاسیس" را در این مورد بکار برد اما با در نظر گرفتن روند و پروسه‌ای که ما پشت سر نهاده‌ایم، میتوان گفت که حزب سوسیال دموکرات کردستان متولد شده است نه تاسیس. تفاوت بین "تولد" و "تاسیس" در این است که اولی طی یک سری فعل و انفعالات طبیعی بطور خودرو میروید و دومی نیازمند زمینه‌سازی و فراهم کردن شرایط مساعد است.

جریان و شکل گیری تولد حزب حداقل به هشت سال پیش بر میگردد. واضح است که این خط، انتخابی دمکراتیک را بر دیگر انتخابها افزوده، به این خاطر میگویم که آترناتیو در مورد قسمت دوم سئوالتان میتواند زیاد باشد. همچنانکه در اطلاعیهای تولدمان به آنها اشاره شده، در اینجا نیز تکرار میکنیم که وجود نیرویی هشیار و روشنفکر و آینده‌نگر در رابطه با مسئله ملی و طبقاتی، بین المللی، زنان، مسئله محیط زیست، بیعدالتیها و اجحافهای عمومی، بخصوص بی توجه‌ای و ظلم نسبت به بیکاران و تنگدستان و فقرا، مسئله استثمار کودکان بمثابه نیروی کار که اکثرا حتا بدون دستمزد نیز میباشند. مسئله قاچاق و تجارت سکس زنان و کودکان و ...، از عوامل و دلایل شکل گیری پروژه تولد چنین حزبی میباشد، همچنین روند آزادسازی و سپس آبادکردن میهن اشغالشده نیز از ملزومات اساسی و نشاندهنده ضرورت تولد و تاسیس حزب ما بود.

### 2. ترکیب اعضای حزبتان چگونه است و اعضای شما قبلا با کدامیک از احزاب بوده‌اند؟

طبیعیست که هوادار یا دوستدار جریانان و احزاب موجود بوده باشند و این خود تجربه سیاسی آنها را بیشتر و استوارتر میکند. کسانی هم هستند که قبلا عضو تشکیلات یا احزاب دیگر بوده‌اند. شرط ما این نیست که عضو سابق احزاب و جریان دیگری نبوده باشند بلکه شرط آنست که آلوده و بد نام نباشند.

### 3. ساختار رهبری در حزب شما چگونه است ؟

من پیشنهاد میکنم که خواننده جهت دریافت جواب این سئوال به اساسنامه حزب رجوع کنند چون این بحثی مفصل میطلبد. هر چند ما "رهبر" به معنای سنتی آن نداریم. البته بر اساس تصمیمات اولین جلسه پروژه تاسیس، از ماه پنج امسال تا برگزاری کنگره چند نفری بصورت موقت با تقسیم کارها، امورات حزب را اداره خواهیم کرد. مثلا سخنگوی حزب و مسئول روابط عمومی و مسئول مالی وغیره داریم.

### 4. رابطه شما با هر دو حزب دمکرات و کومه‌له‌ها چگونه است؟



پارتی سوسیالدموکراتی کوردستان



## Parti socialdemokrati Kurdistan (PSDK)

تا بحال هیچ ارتباط رسمی نداشته‌ایم، اما ما هیچ مانعی جهت برقراری روابط رسمی با دیگر احزاب نمی‌بینیم.

**5. شما با کنار گذاشتن شعار سرنگونی رژیم، خواهان بیرون راندن ارتش دولت ایران از کردستان شده‌اید این به چه معنی است؟ می‌توانید بیشتر توضیح بدهید؟**

سئوال خوبیست و سئوال خوب کلید درک سیاست است. در جریان و روند آماده‌سازی و شکل‌گیری حزب، به چنین مباحثی از این نوع زیاد برخورد کرده‌ایم. نتیجه این بود که ما کردستانی هستیم نه ایرانی. تفاوتی به بزرگی زمین و آسمان بین کرد و کردستانی بودن از یکطرف و کردستانی و ایرانی بودن از طرف دیگر هست.

ما حزبی کردی یا بهتر است بگوییم ما حزبی کردستانی هستیم و اساساً به شهروندی کردستان معتقدیم، و تنها به کرد بودن اکتفا نمی‌کنیم و "کرد ایرانی" را نمی‌پسندیم، بلکه خود را کرد کردستانی میدانیم و معرفی می‌کنیم. به قول اسماعیل بیشکچی ایرن و عراق و سوریه و ترکیه هر کدام یک کردستان دارند اما کردها خود یک کردستان ندارند.

اینک شما می‌توانید پرسید که کردستانی بودن چه ارتباطی با ایران دارد؟ ما بر این باوریم که کردستان بخشی طبیعی از آنچه ایران می‌نامند نیست، بلکه کردستان از طرف حکومت‌های ایران اشغال شده است و این اشغالگری و غصب تنها به عمر سی ساله حکومت جمهوری اسلامی ایران و حتی به تاریخ جدید ایران بعد از جنگ جهانی اول نیز ختم نمی‌شود بلکه آغاز این اشغالگری به زمان جنگ چالدران و از بین بردن امیرنشین‌های کرد بر میگردد.

در جنگ چالدران جنوب کردستان شامل اورامانات و اردلان و ایلام، و در شمال هم از شهر خوی شامل شکاکها و قسمت‌های پایین ارومیه به دو قسمت تقسیم شد. به همین خاطر اینک در هر دو قسمت کردستان ما دارای اورامانات و اردلان و کلهور و ایلامات هستیم در شمال نیز تمامی کردهای با دیالکتیک کرمانجی تقریباً از دیگر قسمت‌های کردستان فصل شده‌اند. در قسمت‌های زیادی از مناطق مرزی روستاها و یا قصبه‌های با نام یکسان دیده میشوند.

تا جنگ جهانی اول بخش جنوبی کردستان منفک و در قلمرو عراق قرار نگرفته بود. پاشا محمود حفید همانموقع فهمیده بود که باید در چهارچوب مرزهای بین‌المللی فعالیت بکند به همین دلیل از دولت انگلیس خواسته بود که جنوب کردستان را که آن زمان کرستان جنوبی نامیده می‌شد و مرزهایش تا شهر کوت در سی کیلومتری بغداد کشیده میشد برسمیت بشناسد.

در جریان این اشغالگری کرد حدود ملی خود را از دست داده. از شهر خوی و ارومیه و مهاباد تا قسمت‌های جنوبی ایلام، کرد شهرهای بزرگی چون همدان را از دست داده که زمانی پایتخت کردها بوده است. به این ترتیب ما کردستان را خاکی اشغال‌شده می‌پنداریم که متأسفانه هر زمان مرکز قدرت و حاکمیت در ایران قویتر بوده، رنگ اشغال‌شده‌گی بیشتری بر چهره کرد نمایان شده است.

در جریان آزاد سازی سرزمین‌های اشغال شده در طول تاریخ دیده نشده که ملت تحت سلطه و اشغال‌شده بدنبال سرنگونی حاکمیت سلطه‌گر بوده باشد. میتوان در این رابطه به مبارزات



پارټی سوسیالدموکراتی کوردستان



## Parti socialdemokrati Kurdistan (PSDK)

آزادخواهانه همه ملل آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا و حتی کشورهای عرب و همسایه‌های خودمان رجوع کنیم. همچنین به نمونه‌های مبارزات آزادخواهانه و کلاسیکی چون اشغال روما از اسرائیل و سوریه و مصر کنونی و همه کشورهای مستعمره جدید اشاره کرد.

شما حتی یک نمونه هم نخواهید دید که ملت تحت سلطه اقدام به سرنگونی حکومت اشغالگر نموده باشد. ملت تحت ستم همیشه خواهان رهایی خود از یوغ سلطه بوده و این رهایی را نیز در بیرون راندن یا بیرون رفتن ارتش اشغالگر از خاک خود دیده است.

شاید خواننده بپرسد که پس چگونه شعار سرنگونی رژیم در کردستان اشاعه پیدا کرد؟

جواب ما این است که این شعار شعاریست غیر کردی و غیر کردستانی و از طریق نفوذ سلطنت طلبها و پان‌ایرانیستها وارد کردستان شده، چون آنان اختلافشان با حکومت مرکزی بر سر نوع حکومت و قدرت است نه با ارتش آن. اجازه بدهید بگویم که این شعار بر مردم کرد تحمیل شده است و در این راه هم خونهای زیادی از ما ریخته شده است.

اگر فرهنگ دمکراسی و پلورالیسم و تکثرگرایی در ایران حاکم بود، این شعار لزومی پیدا نمیکرد و به کردستان هم نمیرسید. اما به علت نبود چنین فرهنگی تمامی نیروهای حاکم و اپوزسیون تلاش میکنند که همدیگر را ساقط کنند و خود بر اریکه قدرت بنشینند و در این راه هم همگی از کرد و کردستان بعنوان ابزار و سنگر مقاومت، نه برای رهایی ملت کرد، بلکه جهت رسیدن به مقصود خودشان که همانا حاکمیت و قدرت است استفاده کرده اند.

واضح است که این بحث سرنگونی سابقه طولانی در تاریخ دارد. گرایش چپ آن به زمان انقلاب فرانسه بر میگردد و سپس انقلاب روسیه و بلشویکها، که لنین یکی از معماران و سازنده‌گان این ساختمان فکری بود.

ما میدانیم که کردهایی که در این مسیر زیان دیده‌اند فراوانند. پدر و مادر و خواهر و برادران قوربانیان، تمامی کسانی که زندان کشیده اند یا مجبور به ترک وطن و گزینش زندگی در غربت و پناهندگی شده‌اند، همه و همه امیدوار و آرزومند سرنگونی و سقوط رژیم اسلامی ایرانند.

ما مخالف چنین آرزو و احساس قلبی و انسانی نیستیم. ما میگوئیم ارتشی که اینک در کردستان هست متعلق به یک دولت متجاوز و اشغالگر است، توجه بفرمائید، ما میگوئیم حکومت، بلکه میگوئیم ارتش دولت، زیرا فرق است بین دولت و حکومت. دولت تاسیسات و یا دستگاهی ملی و تثبیت شده و لاینفک ملت است، اما حکومتها قابل تغییر و تعویض هستند و ملتها میتوانند اقدام به سرنگونی یا برپائی آن بنمایند. حکومت تنها وسیله‌ای است برای اعمال سلطه و کنترل دستگاه دولت که در کشورهای دمکرات و پیشرفته برای دوره‌ای معین، و در جهان عقب مانده و دیکتاتورزده تا زمان سرنگونی پایدار میباشد.

ما خواهان آنیم که این ارتش، کردستان را ترک کند، ارتشی که همچنان به اشغالگری خود ادامه میدهد.



پارټی سوسیالدموکراتی کوردستان



## Parti socialdemokrati Kurdistan (PSDK)

باز توجه بفرمائید که ما به هیچ عنوان در رابطه با کرد و کردستان حکومت ایران را دیکتاتور نمی‌نامیم بلکه آنها را متجاوز می‌خوانیم. جمهوری اسلامی و سلطنت رضا شاه و حکومت بنی صدر و رجوی و .. نمایندگان ما نیستند تا بر ما دیکتاتوری بکنند، آنها بر ملت خود (فارس) دیکتاتوری میکنند و برای ما اشغال‌گردند. البته از بدبختیهای ملت کرد اینست که تحت اشغال حکومت‌هایی بوده که بر ملت‌های خود دیکتاتور و فاشیست بوده و هستند. این یعنی ماجرای استعمار زدگی کرد از همه مستعمره‌های کلاسیک دیگر غم انگیزتر است.

ملل آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین که از جانب دولی استعماری به اشغال درآمده‌اند که خود از نوعی دموکراسی و پلورالیسم در کشورشان برخوردارند، به این شدت و حدتی که ملت کرد مورد قتل عام و نسل کشی و اجحاف قرار می‌گیرد دچار نشده‌اند، اگر هم با چنین وضعیتی روبرو شده باشند در کشورهای اشغالگر هزاران تظاهرات و راهپیمایی و حرکت‌های دیگر علیه این اشغالگری و کشت و کشتار و گیر و بندها صورت گرفته است.

ما ملت کرد تحت سلطه اشغالگرانی هستیم که به تمام معنا درنده و وحشی است، حتی زبان مادری را ممنوع میکند. ما از تجربه جنوب کردستان درس خوبی گرفته‌ایم. مثلاً "حزب کمونیست عراق تا سال 1979 رسماً با رژیم بعث جبهه مشترکی را تشکیل داده و به بدترین شیوه اقدام به سرکوب جنبش آزادیخواهانه ملت کرد نمود. اما از سال 1979 به بعد که رژیم عراق اعلام کرد که حزب بعث خود به اندازه کافی سوسیالیست است و نیازی به حزب کمونیست ندارد، جبهه را منحل اعلام کرد. آنها تلاش زیادی نمودند که حزب بعث را قانع کنند که جبهه را نگهدارد، اما چون دیدند فایده‌ای ندارد، به کردستان فرار کردند و از آنجا شعار سرنگونی را سردادند و طرف‌های کرد را هم وادار به این کار کردند. مخصوصاً به این خاطر که اینبار شوروی را نیز با خود داشتند.

اینک بعد از سرنگونی صدام و حزب بعث می بینید که احزاب عربی در مقابل تمام خواسته‌های کردها می ایستند و هر موقع هم کردها اعتراض کنند و از حقوق از دست‌رفته‌اشان حرف بزنند آنها می‌گویند ما که شمارا قتل و عام نکردیم، صدام شما را قتل و عام کرد، حالا که دیگر صدام نمانده، بیائید باهم عراقی بمانیم. از کردستان دست بردارید، کردستان را می‌خواهید چکار کنید.

گفتم که این سؤال خوبی است، چون راه را برای بحث جدی سیاسی باز میکند.

مثلاً، سرنگونی پایه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی دارد. ملت کرد این حق را دارد که خواهان سقوط اشغالگر و عامل بدبختی‌هایش به اسفل السافلین باشد. اما در عمل سرنگونی یک حکومت نیاز به توانایی سیاسی، نظامی و زمینه‌سازی بین‌المللی دارد و با شعارهای نسنجیده به جایی نمیرسد.

ملت کرد بعنوان اقلیتی تحت ستم و سلطه در ایران حتا از این حق دموکراتیک برخوردار نیست که خواهان سرنگونی رژیم باشد. فرض کنید که جمهوری اسلامی با اپوزسیون خود به توافق رسید، آنگاه شما بعنوان کرد چکار می‌کنید؟ کردستان صدها کیلومتر از مرکز دور است، چطور می‌توان حکومت را ساقط کرد؟ یا اگر ملل فارس و ترک و .. بگویند ما قصد سرنگونی رژیم را نداریم بلکه می‌خواهیم از طریق



پارٹی سوسیالدموکراتی کردستان



## Parti socialdemokrati Kurdistan (PSDK)

فراندم حکومت را تغییر بدهیم، آنگاه کرد چکار میکند؟ قطعاً نخواهد گفت ولمان کنید ما تنهایی سرنگونش میکنیم!

نهایتاً فرض کنید سرنگونش هم کردید، چه ضمانتی برای تحقق خواسته‌های وجود دارد؟ مگر صدام سرنگون نشد؟ پس چرا احزاب عرب در عراق و دیگر کشورهای عرب هم، روز بروز بر مخالفت خود علیه کرد می افزایند؟ شیعه و سنی شبانه علیه همدیگر می‌جنگند و روز در پارلمان آشکارا جبهه متحد علیه کرد دارند. چه ضمانتی برای ملت کرد هست اگر رجوی ها و سلطنت طلبها و کمونیستهای پان ایرانیست به حکومت برسند؟

ما میخواهیم که اشغالگر کردستان مارا ترک کند. اگر با توافق و از راه مسالمت آمیز این کار را کرد که چه بهتر، در غیر این صورت از طریق مبارزات آزادیخواهانه بیرونش خواهیم راند. هر چه بیشتر به ما ضرر جانی و مالی بزند ما در جهت احقاق حقمان مصر تر خواهیم شد.

بگذارید این نکته را هم اضافه کنم که ما سوسیالدموکراتها معتقد به انترناسیونالیسم و اشتراک و همزیستی مسالمت آمیز با دیگر ملل هستیم و عاشق مرزسازی و خط بازی با دیگر ملل نیستیم. اما همزمان راضی هم نیستیم که در خانه خودمان، مارا یک چهارم انسان و نیمه انسان محسوب کنند.

### 6. شما چه تفاوتی با دیگر احزاب کردی دارید؟

البته همیشه تشابهات و نقاط مشترک در بین احزاب و سازمانها و تشکیلاتهای سیاسی وجود دارد. اما به نظر من تفاوتها زیاد هستند. در جواب سئوال قبلیتان عرض کردم که ما ایران را غاصب میدانیم. ما مانع کسی برای سرنگونی رژیم نخواهیم شد، اما خودمان چنین کاری نخواهیم کرد. از ملت کرد هم میخواهیم که در چنین دامی نیافتد. زمانیکه ما سخن از دیکتاتوریت و فاشیست بودن رژیم کنونی ایران یا هر رژیم حاکم در ایران میزنیم، تنها در رابطه با بدتر کردن وضعیت ملت کرد است. گر نه دیکتاتور و فاشیست و متعجب بودن حکومت به ملتهای فارس و صاحب دولت ارتباط دارد و هیچ ربطی به ملت کرد ندارد. ما از حکومت ایران میخواهیم تا زمانیکه نیروهایش در کردستان هستند حق شهروندی کرد را در ایران برسمیت بشناسد، با دید فرزندخواندگی و شهروند درجه سه به آنها ننگرد. ما به دولت ایران می گوئیم که نیروهایش را از کردستان بیرون ببرد چون از هیچ پشتوانه قانونی و شرعی و نمایندگی برخوردار نیست. خلق کرد خود میتواند پاسدار خاک خود باشد.

سیاست داخلی ما بر اساس پارلمانتاریسم برای کردستان است، یعنی مخالف تک حزبی و تمامیت خواهی و حزب پیشرو و اینگونه بحثها هستیم، ما همچنین رفرمیسم و پلورالیسمیم. اینها همه در اساسنامه حزب مفصلاً ذکر شده است.

ما اوضاع و شرایطی را که باعث ایجاد دمکراسی اروپای غربی شده می پسندیم و خواهانش هستیم. منظور موارد عمده‌ای چون، تمامی انسانهای بالای هیجده سال حق رای داشته باشند، رای مخفی باشد، رای گیری در سیستم پلورالیسم و پارلمانتاریستی انجام گیرد، آراء جمع آوری شده باید آشکارا و زیر نظر ناظران شمارش شود، قانون سالاری باشد، دین از سیاست و حکومت جدا باشد. مسجد و کلیسا و دین حق دخالت در امور سیاسی و دولتی را نداشته باشند. دادگاهها و قوه قضائیه صددرصد مستقل باشند، ارتش تحت امر دولت باشد. بر اساس اسناد نوشته شده ما شدیداً با نپوتیزم و



پارټی سوسیالدموکراتی کوردستان



## Parti socialdemokrati Kurdistan (PSDK)

رابطه و رابطه‌کاری و فامیلی گرایی و نهادن رابطه بجای ضابطه مخالف هستیم. علیه قبضه کردن قدرت و تمامیت خواهی در میدان سیاستیم. ما خواهان آنیم که از رئیس جمهور گرفته تا پائینترین سطح دارای حقوق و مواجب شفاف و مشخص باشند. ما با افتخار رو به ایران فریاد میزنیم که جدایی طلبیم و خواهان استقلال کردستانیم و هیچ ابایی از این خواسته خود نداریم. ما خواستار تاسیس بنیادی ملی هستیم که در آن اسامی تمامی کسانی که در رابطه با مسئله کرد زندانی شده‌اند، یا مجبور به ترک وطن شده‌اند و زیانهای مالی و جانی دیده‌اند، یا بعنوان پیشمرگ خدمت کرده‌اند بطور کامل و دقیق ثبت گردد تا اگر شرایط فراهم شد خدماتشان جبران و از آنها قدردانی شود. در واقع ما می خواهیم مبارزات همگی این افراد بطور کلی در نظر گرفته شود و به دلایل و بهانه‌های گوناگون به فراموشی سپرده نشود. اینها و نکات فراوان دیگری که در اساسنامه آمده و خوانندگان خود میتوانند آنها را بخوانند.

### 7. انشعابات اخیر کومه‌له را چگونه می بینید ؟

ما بحث و جدل در این مسایل را جزء سیاست خود نمی دانیم و نظر خاصی نداریم.

### 8. آیا شما در جنوب کردستان هم نمایندگی دارید؟

در حال حاضر نداریم. اما بفکرش هستیم، ما میخواهیم یاور جنوب باشیم نه بار، تا ببینیم چه خواهد شد، مهم اینست که ما بتوانیم سنگر کرد در جنوب را تقویت کنیم و همزمان خود را نیز در محاصره نیاندازیم.

### 9. نظر شما در باره احزاب سیاسی و فعالیتهای اسلام سیاسی در کردستان ایران چیست ؟

ما ضمن باور به جدایی دین از حکومت، دین را رابطه‌ای میان خدا و انسانهایی میدانیم که آزادانه و اختیاری مایل به برقراری این ارتباط هستند. همزمان ما خود هیچ مخالفت یا ضدیتی با هیچ دین یا مذهبی نداریم، اما شدیداً مخالف خشونت هستیم، از طرف هر کسی باشد. ما اساساً خواهان فعالیت و حضور همه دیدگاهها هستیم به شرطی که حقوق کسی پایمال نشود. در جنبش آزادیخواهانه کردستان از نظر ما مهم اینست که هیچ کدام از نیروهای حاضر، وابسته به اشغالگران کردستان نباشند، از دشمنان کرد کمک مالی و تجهیزات نگیرند و رابطه استراتژیکی و انتخابی با این دولتهای اشغالگر نداشته باشند.

### 10. اگر حکومت ایران خواهان مذاکره با شما باشد قبول می کنید؟

مذاکره در مورد چی ؟ چندین حزب و سازمان سیاسی در کردستان شرقی وجود دارد، اگر همه آنهایی که خود را کرد میدانند و فکر میکنند که منافع ملت کرد یکی از نکات اساسی فعالیت‌هایشان است، حق ندارند که به تنهایی و خودسرانه حاضر به گفتگو بر سرمنافع ملت کرد بشوند. واضح است که این یکی از شروط لازم تشکیل یک جبهه ملی برای ملت کرد است. ما کاملاً مخالف معاملات سیاسی و مذاکرات یکطرفه و پشت پرده‌ایم.

### 11. وضعیت زندگی اردوگاه نشینی احزاب کردی را چگونه ارزیابی میکنید؟



پارټی سوسیالدموکراتی کوردستان



## Parti socialdemokrati Kurdistan (PSDK)

---

ما حزبی غیر مسلح هستیم و فعلا اردوگاه نشین نیستیم. اما می دانیم که در این اردوگاهها تعداد زیادی انسان به دلایل مختلف، تن به زندگی نخواستند داده‌اند. اما بدون سنجیدن و تجزیه و تحلیل کامل همه عوامل و فاکتورهائی که باعث ایجاد وضعیت اردوگاه‌نشینی شده‌اند، قضاوت در این باره و جواب دادن به این پرسش بسیار مشکل خواهد شد.

### 11. شما پدیده تعدد احزاب را که مدتیست در کردستان شرقی ظهور کرده چگونه میبینید ؟

به نظر ما این پدیده‌ی تکثر احزاب بیانگر تکامل و درک جامعه کردستان است، همچنانکه در جوامع پیشرفته جهان نیز چنین است. بدین معنی که جامعه کردستان نیز، در میدان سیاست پیشرفت داشته، این پدیده جای هیچ نگرانی نیست و نباید نگران این موضوع بود. آنچه در جامعه ما جای نگرانی دارد حفاظت از دموکراسی و پلورالیسم است. بگذارید در مملکت ما هم احزاب زیاد باشند و آراء و نظرات گوناگون وجود داشته باشد. هر حزبی بتواند در سایه دموکراسی و پلورالیسم توانائیها و قابلیت‌های خود را عرضه و در اختیار مردم بگذارند، تا مردم خود آنچه می‌خواهند انتخاب کنند. تا مردم الترناتیو و حق انتخاب بیشتری داشته باشد، سیاست جدیدتر و علمی‌تر خواهد شد.

کرد بعنوان ملتی ستمدیده و تحت اشغال، دست خیر خواه را زودتر خواهد شناخت.